

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

استراتژیهای توسعه اقتصادی

(مطالعه موردی ایران و کره جنوبی)

نگارش:

داود گودرزی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر شیرخانی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر ساعی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

تیر ماه ۱۳۸۱

۴۲۲

آرژان اطلاعات مدرک علمی ایران  
تیمبیه مدرک

۱۳۸۱ / ۷ / ۱۰

آرژان اطلاعات مدرک علمی ایران  
تیمبیه مدرک



## فرم ارزشیابی پایان کارشناسی ارشد

دانشکده: حقوق و علوم سیاسی گروه: روابط بین الملل

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی مقطع کارشناسی ارشد دانشجویان دانشگاه تهران

به شماره دانشجویی: ۲۱۰۲۷۸۰۱۴ در رشته: روابط بین الملل

آفند: داود گودرزی

پایان نامه خود به ارزش: ۴ واحد راکه در نیمسال اول سال تحصیلی: ۱-۸۰-۷۹ درم

گرایش: روابط بین الملل

اخت و ثبت نام نموده بود. تحت عنوان: استراتژی های توسعه اقتصادی

داور

به سرپرستی (استاد راهنما): دکتر شیرخانی استاد مشاور: دکتر ساعی استاد لایزالوردوم (حسب مورد): دکتر مولایی

در تاریخ: ۸۱/۵/۲۲ در حضور هیأت داوران به شرح ذیل با (موقبت / عدم موقبت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

اسامی هیأت داوران	مرتبه علمی	محل اشتغال	امضاء
۱- استاد راهنما: دکتر محمد شیرخانی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲- استاد مشاور: دکتر احمد ساعی	دانشیار	" " "	
۳- استاد داور: دکتر یوسف مولایی	استادیار	" " "	
۴- استاد داور:			
۵- استاد داور یا استاد مشاور دوم:			

به عدد	به حروف
۱۸	هجده

نمره نهایی هیأت داوران:

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.

سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده

با سلام، نظر به اعلام نمره نهایی فوق الذکر از جانب هیأت داوران خواهشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام مقتضی مبذول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: دکتر یوسف مولایی امضاء و تاریخ:

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیأت داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد.

تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

## تقدیم به

پدری استوار که استواریش درس استقامت و شجاعت را به انسان ارزانی می‌دارد.  
مادری مهربان که مهربانی و عشقش همواره پشتوانه و مددکار زندگی‌م بوده است.  
خواهرانی صبور که صبوری‌شان درس شکیبایی و با دیگران زندگی کردن را به انسان می‌آموزند.  
همسری مهربان که مهربانی و عشقش درس ایثار و محبت را به انسان هدیه می‌دهد.  
فرزندی دل‌بند که دل‌بندیش امید به آینده و تلاش و عقلایی بودن را در من بوجود آورد.

## چکیده

نگاهی به وضعیت اقتصادی و تجاری و سهم و نقش ایران در تجارت بین‌المللی (سهم ایران از تجارت بین‌المللی چهاردهم درصد است) نشان می‌دهد که برای ایران اسلامی که قصد دارد سهم خود را در تجارت جهانی در آستانه سال ۱۴۰۰ شمسی به یک درصد برساند، داشتن تصویری روشن از استراتژی‌های توسعه اقتصادی الزامی و ضروری است. آنچه مسلم است با روند نزولی بهای کالاهای سنتی و اولیه در بازارهای جهانی تلاش برای افزایش تولید و صدور این نوع کالاها از بعد اقتصادی توجیه منطقی ندارد، بلکه باید اقتصاد ملی به سوی افزایش صادرات کالاهای دارای ارزش افزوده بیشتر (کالاهای صنعت) گام بردارد تا بتواند جهش صادراتی را محقق سازد.

- در این پژوهش ضمن توجه به تحولات اقتصاد جهانی و نقش و اهمیت شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌گذاری خارجی و نقش بسیار مهم "دولت توسعه‌گرا" در توسعه اقتصادی در دهه‌های اخیر به ارائه تجربیات کشور کره جنوبی و توفیق اعمال استراتژی برون‌گر و توسعه صادرات و هماهنگی دیگر سیاست‌های اقتصادی با این استراتژی به تحلیل منطقی از اتخاذ این استراتژی پرداخته‌ایم.

- از این رو در این پژوهش تصریح شده است که صدور کالاهای صنعتی ضمن ایجاد ارزش افزوده بالا در اقتصاد ملی وضعیت اشتغال در جامعه جوان ایران را بهبود بخشیده به خلق مزیت، پرداخته رفاه و توسعه اقتصادی پایدار را به دنبال دارد.

در این راستا و در چارچوب نظریه تجارت آزاد در این پژوهش استراتژی توسعه صادرات با هدف دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار و رفاه بیشتر برای مردم به عنوان معیار بسیار مهمی در صدر برنامه ریزی اقتصادی مسئولان و برنامه ریزان نظام مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته است.

## تقدیر و تشکر

بدین وسیله از کلیه عزیزان و دوستانی که اینجانب را در تهیه این پایان نامه یاری داده‌اند از جمله اساتید محترم جناب آقای دکتر محمد شیرخانی و جناب آقای دکتر احمد ساعی و همچنین اساتید محترم گروه روابط بین‌الملل که در محضرشان کسب فیض نموده‌ام آقایان دکتر سمتی، دکتر مولائی، دکتر افتخاری، دکتر رمضان زاده، و خانمها دکتر نسرین مصفی و دکتر حمیرا مشیرزاده و کلیه پرسنل و کارمندان دانشکده حقوق و علوم سیاسی تشکر و قدردانی نمایم بجااست که یادى از اساتید فرزانه و فقید گروه روابط بین‌الملل دکتر هوشنگ مقتدر و دکتر داریوش اخوان زنجانی نمائیم روحشان شاد.

## فهرست مطالب

چکیده.....	الف
مقدمه.....	ب - س
فصل اول: بررسی مفهوم استراتژی.....	
۱.....	۱
تعریف استراتژی (Strategy).....	۲
تفاوت استراتژی و تاکتیک.....	۶
هدف استراتژی.....	۶
استراتژی توسعه اقتصادی.....	۷
تعریف استراتژی توسعه اقتصادی.....	۷
مشخصات استراتژی توسعه اقتصادی.....	۹
انواع استراتژی‌های توسعه اقتصادی.....	۱۲
استراتژی جانشینی واردات Import Substitution Strategy.....	۱۳
تاریخچه استفاده از استراتژی جایگزینی واردات.....	۱۵
مبانی نظری و عملی استراتژی جانشینی واردات.....	۱۹
سیاستها و ابزارهای حمایتی در استراتژی جایگزینی واردات.....	۲۰
انواع ابزارها و سیاستهای حمایتی.....	۲۳
انتقادات رایج بر استراتژی جانشینی واردات.....	۲۷
فصل دوم: شرکتهای چند ملیتی و سرمایه‌گذاری خارجی.....	
۳۰.....	۳۰
شرکتهای چند ملیتی یا فراملی Transnational Corporations.....	۳۱
شرکتهای چند ملیتی و کشور مادر.....	۳۴
شرکتهای چند ملیتی و کشور میزبان.....	۳۵
استدلال بر علیه شرکتهای چند ملیتی.....	۳۷
ارائه راه حل و پیشنهادات برای فعالیت شرکتهای چند ملیتی.....	۴۲
سرمایه‌گذاری خارجی Foreign Investment.....	۴۳

۴۳	تعریف سرمایه‌گذاری خارجی:.....
۴۳	رشد شدید سرمایه‌گذاری خارجی.....
۴۴	مزایای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.....
۴۵	سرمایه‌گذاری خارجی در کره جنوبی.....
۴۶	عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی در کره جنوبی.....
۴۹	سرمایه‌گذاری خارجی در ایران.....
۵۰	قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران.....
۵۴	فصل سوم: نقش دولت در اقتصاد.....
۵۵	مقدمه.....
۵۸	دیدگاههای لیبرال، کورپوراتیستی، مارکسیستی و نقش دولت.....
۶۶	انواع دولتها.....
۶۷	دولت یغماگرا Predatory.....
۶۹	دولت توسعه‌گرا.....
۷۱	کره جنوبی نمونه دولت توسعه‌گرا.....
۷۳	دولتهای میانه Intermediate States.....
۷۵	دولت ایران دولتی میانه.....
۷۷	نقش دولت توسعه‌گرا در توسعه اقتصادی کشورهای تازه صنعتی آسیای شرقی.....
۸۰	دخالت دولت در کشورهای تازه صنعتی آسیای شرقی.....
۸۲	تنظیم و هدایت سرمایه در جهت توسعه.....
۸۳	بسترهای مساعد نهادی.....
۸۴	خود مختاری نسبی دولت و همکاری بخش خصوصی و عمومی.....
۸۶	مداخله‌گری دولت کره جنوبی در اقتصاد.....
۸۹	تأثیر انداز دولت بر رشد اقتصادی.....
۹۰	جایگاه دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....



۹۲	فصل چهارم: اوضاع اقتصادی ایران و کره جنوبی
۹۳	کره جنوبی
۹۳	مقدمه
۹۳	اوضاع جغرافیایی، فرهنگی
۹۶	اوضاع اقتصادی
۱۰۱	برنامه‌های توسعه اقتصادی کره جنوبی
۱۱۵	ایران
۱۱۵	مقدمه
۱۱۵	اوضاع اقتصادی و برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران
۱۱۷	پیروزی انقلاب اسلامی
۱۲۱	مقایسه شاخص‌های اقتصادی ایران و کره جنوبی
۱۲۵	فصل پنجم: استراتژی توسعه صادرات
۱۲۶	تعریف
۱۲۸	مبانی نظری استراتژی توسعه صادرات و تجارت آزاد
۱۳۱	نظریات اقتصاددانان نئوکلاسیک
۱۳۵	سایر نظریه‌های تجارت بین‌الملل
۱۴۰	تاریخچه تکوین استراتژی توسعه صادرات
۱۴۴	نقاط قوت استراتژی توسعه صادرات
۱۴۵	انتقادات وارد بر استراتژی توسعه صادرات
۱۴۹	ابزارهای و اهرمهای رایج در سیاست توسعه صادرات
۱۵۷	نتیجه‌گیری
۱۶۲	پیشنهادات در رابطه با اتخاذ استراتژی برون‌گرا و توسعه صادرات
۱۶۳	فهرست کتب فارسی
۱۶۶	فهرست مقالات فارسی
۱۶۸	فهرست کتب و مقالات انگلیسی

## طرح مساله:

مفهوم توسعه یکی از مفاهیمی است که بیشترین بحث و جدال را در متون علوم سیاسی و اقتصادی پدید آورده است و ما زمانی می‌توانیم به طرح استراتژی خاص توسعه یا انتقاد از آن بپردازیم که مفهوم توسعه با دقت مشخص و تعریف گردد.

برای روشن کردن این مفهوم میان دو مفهوم "رشد اقتصادی" و "توسعه اقتصادی" تمایز قائل می‌شویم، رشد در لغت عبارتست از هرگونه افزایش در حد میزان یک چیز، بعبارتی افزایش در داده اقتصاد که به صورت شاخصهای کمی اقتصادی و در قالب تولید ناخالص ملی و در آمد سرانه از دوره‌ای به دوره دیگر محاسبه می‌گردد. هر چند رشد اقتصادی یک جزء ضروری توسعه است اما تمام توسعه نیست، اساساً توسعه دارای مفهوم گسترده‌تری می‌باشد. رشد متضمن معنای بسیط زیر ساخت اقتصادی است، ولی توسعه علاوه بر آن مستلزم شکوفایی همه ابعاد حیات انسانی است، این بدین علت است که توسعه صرفاً یک پدیده اقتصادی نیست، توسعه در معنای زیستی به معنای گسترش و شکوفایی می‌باشد و از دیدگاه اجتماعی رشدی هماهنگ و موزون در همه ابعاد مادی، روانی و معنوی است.

پس می‌توان گفت که در توسعه و رشد دو نکته قابل بحث و بررسی وجود دارد، اول آنکه به دلیل حیطه گسترده تعریف توسعه، می‌توان یک وظیفه حساس و اصلی را برای آن در نظر گرفت و آن عبارتست از هماهنگ کردن ابعاد مختلف رشد در یک جامعه پویا یا تمامی بخشها لازم است. به دنبال رشد و بهبود شرایط خویش باشند، اگر یک بخش از این قاعده مستثنی باشد یا اینکه بیش از حد معمول رشد یابد باعث تزلزل کل جامعه می‌گردد. نکته دوم آنست که رشد بیشتر مسائل مادی را شامل می‌گردد، در حالی که توسعه در پی تحقق آن است که رشد مادی انسان در خدمت تعالی و رفاه وی باشد و تمامی جامعه را با محوریت انسان می‌بیند، پس در توسعه برخلاف رشد باید بر مقولات معنوی و جنبه‌های انسانی تأکید بیشتر می‌شود.

نکته دیگری که باید تذکر داده شود این است که تشدید نرخ رشد اقتصادی نباید موجب افزایش شدید در اختلاف درآمدها و فاصله بین فقیر و غنی شود، از سوی دیگر رشد اقتصادی همیشه همراه با افزایش قیمت‌ها و توزیع نابرابر درآمدها بوده است، به بیان دیگر در بیشتر مواقع رشد و توسعه لازم است با اعمال سیاستهای ویژه یک حداقل زندگی (بهداشت و آموزش مجانی

و مسکن مناسب و ارزان) برای طبقه کم درآمد و زحمتکش کشور را فراهم آورد. بر این اساس باید به خاطر داشته باشیم که رشد وسیله است نه هدف و لذا تا جایی قابل قبول است که با ارزشها در تعارض نباشد.

حال مسأله‌ای که مطرح می‌شود این است که کشورها برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی چگونه عمل نموده‌اند. برای نمونه دو کشور ایران و کره جنوبی بعد از جنگ جهانی دوم از نظر توسعه یافتگی تقریباً در یک سطح قرار داشته و هر دو جزء کشورهای جهان سوم محسوب می‌شدند و همچنین به علت برخورداری از موقعیت جغرافیایی و مهم استراتژیک در دو منطقه مهم از آسیا مورد توجه خاص قدرتهای بزرگ قرار گرفته‌اند. دو کشور دارای جمعیت زیاد و وسعت خاک متفاوت از هم هستند و تراکم جمعیت در این دو کشور یکسان نمی‌باشد، همچنین از نظر منابع طبیعی کشور ایران بسیار غنی و بخصوص دارای نفت و گاز سرشاری می‌باشد ولی کره جنوبی از نظر منابع طبیعی لازم بخصوص انرژی برای پیشرفت اقتصادی برخوردار نمی‌باشد. علی‌رغم تشابهاتی که ما بین این دو کشور وجود داشته است اما رشد اقتصادی این دو کشور با یکدیگر تفاوت‌های بارز و آشکاری را نشان می‌دهد به طوری که کره جنوبی در خلال دهه‌های بعد از ۱۹۶۰ توانسته است به نرخ رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای دست یابد که اکثر کارشناسان و محققان علوم اقتصادی رشد اقتصادی معجزه آسای کره جنوبی را تحت عنوان «معجزه دوم» لقب داده‌اند.

کره جنوبی از اوایل دهه ۱۹۶۰ با روی کار آمدن «پارک چونگ هی» با انتخاب سیاست نوین اقتصادی دوره پیشرفت سریع اقتصادی را تجربه کرد و سعی در تحقق بخشیدن به اهداف خود یعنی افزایش صادرات و ورود به بازارهای جهان کوشش بسیار زیادی به خرج داده است، در این راه نخستین گام با تضعیف کنترل دولتی و اعطای آزادی بیشتر به نیروهای بازار برداشته شد، نتیجه به زودی آشکار شد، حذف تدریجی تعرفه‌های گمرکی باعث ایجاد رقابت بین تولیدات داخلی و کالاهای مشابه خارجی شد، با تلاش صاحبان صنایع به تدریج کیفیت تولیدات داخلی روبه بهبود گذاشت و صنایع کره رفته رفته آمادگی ورود به بازارهای جهانی را کسب کردند. رشد تولید ناخالص ملی کره جنوبی در طول دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به طور متوسط به ۹٪ در سال رسید ضمن اینکه صادرات این کشور در طول دهه ۱۹۶۰ ۴۰٪ و در طول دهه ۱۹۷۰ رشد متوسط سالانه ۳۷٪ را تجربه کرده است.

رشد تولیدات صنعتی کره جنوبی در دوران ۱۹۷۹ - ۱۹۶۱ به طور متوسط ۲۰٪ در سال بوده است، حجم صادرات کره جنوبی از ۵۵ میلیون دلار در سال ۱۹۶۲ به ۲۱/۸۵۳ میلیارد دلار در

سال ۱۹۸۲ و ۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ افزایش یافته است.

این توسعه معجزه‌آسای اقتصادی کره جنوبی در سالهای بعد نیز ادامه داشته و رشد اقتصادی کره جنوبی در طول دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی همچنان به طور متوسط سالی ۸٪ بوده است، همچنین رشد تولید ناخالص داخلی واقعی کره جنوبی در سال ۱۹۹۵، ۹/۲٪ و در سال ۱۹۹۶ ۷/۵٪ و در سال ۱۹۹۷، ۷٪ بوده است. تولید ناخالص داخلی (GDP) کره جنوبی در سال ۱۹۸۸ به قیمت‌های جاری برابر ۱۵۶/۱ میلیارد دلار و میزان تولید ناخالص این کشور در سال ۱۹۹۴ بالغ بر ۳۷۶۵۰۵ میلیارد دلار آمریکا می‌باشد و همچنین میزان GDP این کشور در سال ۲۰۰۰ برابر ۷۶۴/۶۰۰ میلیارد دلار آمریکا بوده است.

از سوی دیگر کشور ایران با تکیه بر درآمدهای حاصل از فروش نفت، خود را بی‌نیاز از صادرات تلقی کرده و به سیاست جایگزینی واردات ادامه داد. تصور دولتمردان بر این بود که رشد اقتصادی با کنترل دولت و حمایت شدید از صنایع امکان‌پذیر خواهد بود، در حالی که ادامه سیاست مزبور مانع پدید آمدن بازار رقابتی شده و از ایجاد انگیزه‌های لازم در جهت بهبود کیفیت و مرغوبیت تولید جلوگیری کرد. دیوارهای آهنین تعرفه که به منظور حمایت از صنایع داخلی ایجاد شده بود تنها به رشد و گسترش انحصارات داخلی کمک کرد، با عدم وجود رقابت تولیدات داخلی، کالاهای عرضه شد که از برتری نسبی کمتری برخوردار بودند و اگر مداخله دولت نبود تولید نمی‌شد. علاوه بر آن کالاهای ساخته شده تولیدات صنعتی کشور نیز به علت گرانی بخشی از بازارهای خارجی خود را از دست داد. به طوری که صادرات غیر نفتی از ۵۲۸ میلیون دلار در سال ۱۳۵۳ به ۳۵۷ میلیون دلار به قیمت‌های جاری در سال ۱۳۶۲ رسید. همچنین براساس اتخاذ این سیاست تولید ناخالص داخلی ایران طی دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ و سال ۱۹۹۹ میلادی به ترتیب ۵/۵، ۲/۱۰، ۹۸، ۹۴ و ۶۸/۱ میلیارد دلار رسیده است و سهم ایران از صادرات جهانی از ۳۵٪ در طی دهه ۶۰ به ۲۳٪ در سال ۱۹۹۹ افت داشته است. از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ صادرات کل کشور رشد داشته اما متأسفانه صادرات صنعتی رشد قابل توجهی نداشته، به طوری که از ۷ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۸/۳ درصد در سال ۱۳۷۸ رسید. بیشترین میزان صادرات صنعتی ما نیز متعلق به سال ۱۳۷۷ با ۱۲ درصد است. و در بخش صادرات صنعتی نیز ۱۸/۵ درصد از آن منسوجات، ۱۱/۵ درصد به چرم و فقط درصد اندکی از آن با وسایل نقلیه، خودرو، ماشین آلات و تجهیزات اختصاص یافته است. همچنین سهم ایران از تجارت جهانی در حال حاضر فقط ۴٪ درصد می‌باشد و این در حالی است که سهم ایران از تولید جهانی نفت از ۱/۴۰ میلیون بشکه روزانه در دهه ۷۰ به ۳/۵۹ میلیون بشکه روزانه در سال ۱۹۹۹ افزایش یافته است و

اینها تمامی نشان دهنده این است که ما تنها در صادرات مواد اولیه صنعتی قوی بوده‌ایم و این چندان امید بخش نیست.

حال سئوالی که در ذهن ایجاد می‌شود این است که چرا سهم صادرات کره جنوبی در سال ۱۹۸۸ بالغ بر ۶۰ میلیارد دلار بوده و سهم صادرات ایران با وجود نفت در طی همان سال بین ۱۲ تا ۱۵ میلیارد دلار بوده و یا تولید ناخالص داخلی کره جنوبی در سال ۱۹۸۸ به ۱۵۶/۱ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی ایران ۹۲ میلیارد دلار است و یا سرانه تولید ناخالص داخلی در سال ۹۰ برای کره ۵۶۲۵ دلار است در حالی که سرانه تولید ناخالص داخلی در طی همان سال برای ایران ۱۷۲۵ دلار است. همچنین درآمد سرانه در ایران در سال ۱۹۹۸ برابر با ۱/۲۵ دلار و درآمد سرانه در کره جنوبی ۱۱/۷۰۰ دلار بیشتر از ایران است و در کل می‌توان گفت که در چهل سال گذشته قدرت اقتصادی ایران هشت برابر شده ولی در همین مدت قدرت اقتصادی کره جنوبی ۲۹ برابر شده است<sup>(۱)</sup>.

حال با توجه به آمار و ارقام مربوطه که نشان دهنده فاصله رشد و توسعه اقتصادی دو کشور ایران و کره جنوبی می‌باشد سئوالی که مطرح می‌شود این است که چرا دو کشور ایران و کره جنوبی به رشد و توسعه اقتصادی متفاوتی دست پیدا کرده‌اند؟ چرا کشور کوچکی چون کره جنوبی توانسته است در سطح داخلی و بین‌المللی به درجه بالای از رشد و توسعه دست پیدا کند اما کشوری چون ایران با وجود داشتن منابع عظیم نفتی و سرمایه‌های که از این راه به دست آورده است نتوانسته به جایگاه مناسبی از توسعه و تجارت در سطح داخلی و بین‌المللی دست پیدا نماید؟ پاسخ گوئی به این سئوال و سئوالات این چنینی در واقع راهنمای ما در این پژوهش می‌باشد.

---

۱- آمار مربوط به این قسمت از منابع زیر می‌باشد.

۱ ارسطو امامی خوبی "جای ایران در بازارهای جهانی" مجله سیاسی، اقتصادی شماره ۱۶۰، ۱۵۹ (آذر و دی ۱۳۷۹) ص ۳۰۷.

۲ انجمن مدیران صنایع، "استراتژی توسعه صادرات صنعتی" (تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعت ایران، ۱۳۷۶) ص ۲۷.

۳ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، کتاب سبز جمهوری کره (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷) ص ۵۰.

۴ غلامرضا گودرزی "صنعت و نوسازی صنایع" مجله پیام صادق شماره ۳۹ سال هفتم (بهمن و اسفند ۱۳۸۰) ص ۲۷-۲۴.

## پیشینه موضوع پژوهش یا ادبیات موجود:

درباره موضوع پژوهش نگارنده کتاب خاصی که به زبان فارسی تالیف یافته باشد مشاهده نکرده است و تنها به چند مقاله که به طور غیرمستقیم اشاراتی به موضوع داشته‌اند دسترسی پیدا کرد.

رضا شیرزادی در مقاله‌ای با عنوان "تحلیلی بر بحران اقتصادی شرق آسیا و پی آمدهای آن" اشاره به این مساله می‌کند که کشورهای جنوب شرقی آسیا طی سه دهه اخیر دارای رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند این رشد اقتصادی موجب تحول عظیمی در این منطقه گردید به گونه‌ای که در مطبوعات و در فهرست برخی سازمانهای جهانی نام تعدادی از این کشورها در ردیف کشورهای توسعه یافته قرار داده این تحول به قدری چشمگیر بود که از آن به عنوان "معجزه شرق آسیا" نام برده شد و به مرور موجب گردید که آسیای جنوب شرقی (کره جنوبی) به عنوان الگوی توسعه اقتصادی برای سایر کشورهای جهان سوم مورد توجه قرار گیرد.

موفقیت اقتصادی کره جنوبی معلول دو عامل عمده بود: ۱ جذب سرمایه‌های کلان خارجی ۲ بسیج نیروی کار داخلی اعم از متخصصان و کارگران ماهر و نیمه ماهر، سازماندهی و بهره برداری بهینه از این نیروی انسانی در جهت بکارگیری هر چه بهتر سرمایه‌های مادی و تولید هر چه بیشتر به منظور صادرات، به این ترتیب دو عامل سرمایه خارجی و نیروی کار داخلی زمینه ساز تحول اقتصادی شده است<sup>(۱)</sup>.

همچنین Paul cook and colinkirk patrick در مقاله‌ای بیان می‌کنند که در سطح جهانی توزیع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تعداد اندکی از کشورهای در حال توسعه متمرکز شده است به گونه‌ای که ده کشور به عنوان عمده‌ترین دریافت کنندگان ۶۶ درصد از کل جریان سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم به کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داده‌اند و به لحاظ منطقه‌ای آسیا بالغ بر نیمی از این سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را به خود اختصاص داده است.<sup>(۲)</sup> سید حسین سیف زاده در کتاب "مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی" می‌نویسد که دو کشور ایران و عراق با پیوستن به یکی از دو ابرقدرت آمریکا و شوروی از لحاظ

---

۱- رضا، شیرزادی "تحلیلی بر بحران اقتصادی شرق آسیا و پی آمدهای آن" فصلنامه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۶، ۱۵ (بهار و تابستان ۷۷) ص ۸۶.

1. Poul cook and colin kirk patrick. "Globalization Regionalization and Third World Development" Regional Studies, Vol. 37.7(1997) P.56

تاکتیکی و جبهه اعلانی سیاست خارجی خود را وجیه نشان دادند، در مقابل استراتژی ایران و عراق چهار غول آسیای به استراتژی دیگری روی آوردند که مبانی قدرت لازم برای اعمال این استراتژی دانش فنی و اقتصادی بود. این نوع استراتژی ضمن تعهد به رعایت و حفظ وضع موجود زمینه را برای تغییر منزلت بازیگران (در سطح بین المللی) فراهم آورد. در نتیجه کره جنوبی و سه غول دیگر آسیایی که به مراتب در دهه هفتاد از قرن بیستم میلادی از ایران عقب تر بودند توانستند منزلت خود را به سطح قدرتهای بزرگ اقتصادی و با دانش فنی ارتقا دهند. مقایسه تولید ناخالص ملی این چهار کشور با ایران و عراق و توان ماهواره‌ای هنگ کنگ و سنگاپور از این تغییر منزلت حکایت دارد.<sup>(۱)</sup>

محمود سریع القلم در کتاب "توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل" تاکید اصلی خویش را بر اهمیت بافت فرهنگی و طرح مجدد نظریه اهمیت بافت داخلی در توسعه اقتصادی بیان می‌دارد و اشاره می‌کند که "علاوه بر متغیرهای مانند کمکهای خارجی، سرمایه غربی، حمایت سیاسی و وضعیت مساعد مبادلات بین الملل که خود شاخصهای با اهمیتی می‌باشند. بسیاری از تحلیل گران یکی از علل مهم در سرعت و کیفیت رشد و توسعه کره جنوبی را بافت فرهنگی آنان می‌دانند و اصول فرهنگی حاکم بر آن کشور نیازهای فرهنگی توسعه اقتصادی را میسر ساخته است.<sup>(۲)</sup> این در حالی است که در ایران چنین فرهنگی حاکم نمی‌باشد.

دسته‌ای دیگر از ادبیات موجود مربوط به توسعه اقتصادی کره جنوبی به دخالت‌های یک دولت مقتدر اشاره دارند و علل موفقیت آنها را وجود دولتی قوی و کارآمد می‌دانند از جمله این آثار کتاب Asia's Next Giant نوشته Alice H. Amsden و همچنین مقاله‌ای نوشته J.E. Stiglitz با عنوان Markets Failures and Development در نشریه 1989, Vol 79, No 2. American Economic Review.

همچنین امیر محمد حاجی یوسفی در مقاله‌ای تحت عنوان "دولت و توسعه اقتصادی در ایران" ناکارآمدی دولت پهلوی دوم را علت ناتوانی در تحقق برنامه توسعه می‌داند و می‌نویسد: حداقل سه عامل را می‌توان نام برد که نقش فزاینده دولت ایران به مثابه یک کارگزار توسعه اقتصادی را تبیین سازد. ۱- پذیرش عمومی ایرانیان ۲- ضعف بخش خصوصی و ویژه طبقه بورژوازی ۳- عامل سوم و از همه مهمتر مربوط به مقادیر عظیم درآمدهای نفتی است که مستقیماً

۱- سید حسین سیف زاده، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، ۱۳۷۵) ص ۱۰۱ و ۱۰۰.

۲- محمود سریع القلم، "توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل" (تهران: چاپ سفیر، چاپ سوم، ۱۳۷۵) ص ۷۳.